



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

برادر ارجمند جناب آقای دکتر محسنی
مدیر کل محترم امور حقوقی دانشگاه تهران

با سلام و احترام،

بازگشت به نامه شماره ۱۵۱/۵۴۴۸۵ مورخ ۹۹/۰۴/۰۲ در خصوص بند «ج» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی به استحضار می‌رساند:

اصولاً اعاده دادرسی یک طریق فوق‌العاده اعتراض به احکام محکومیت قطعی به منظور رفع اشتباهات قضایی در پرتو دلایل جدید است. منظور از دلایل جدید نیز دلایلی است که در دادرسی منتهی به صدور حکم قطعی، موجود و با در دسترس نبوده و ابراز آنها حقیقتی جدید را آشکار می‌سازد، حقیقتی که مؤثر در اثبات بی‌گناهی متهم است. به دیگر سخن، اعاده دادرسی، نه شیوه‌ای برای بررسی دلایل محکومیت سابق و نه روشی برای بازرسی انطباق حکم سابق با قانون است، و در نتیجه، مرحله سومی از رسیدگی‌های کیفری محسوب نمی‌شود؛ رسیدگی‌ها همچنان دو درجه‌ای و حکم صادر شده در پایان آنها تابع قاعده اعتبار امر مختوم و ممنوعیت رسیدگی مجدد است.

با توجه به مراتب فوق و حاکمیت قاعده اعتبار امر مختوم نسبت به احکام قطعی دادگاه‌ها، و با توجه به استثنایی بودن اعاده دادرسی و حصری بودن جهات آن به شرح مرقوم در ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بند «ج» آن ماده مبنی بر اینکه «عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد»، وسیله‌ای برای تضمین رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در دادرسی‌های کیفری و ناظر به فرض محکومیت متهم به جرمی است که در قانون پیش‌بینی نشده یا به مجازاتی است که در قانون به این میزان مقرر نشده است. بنابراین، بند مذکور، وسیله اطمینان از رعایت عنصر قانونی جرم بوده، مجوزی برای بررسی مجدد عناصر مادی و روانی جرم به شمار نمی‌رود. بدیهی است که توالی فاسد قبول درخواست اعاده دادرسی از سوی متهمی که مدعی عدم ارتكاب جرم یا عدم کفایت ادله انتساب جرم به خود، یا وجود عنصر قانونی آن باشد، آشکار و موجب تزلزل اعتبار احکام قطعی کیفری است.

با احترام. علی خالقی

دانشیار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی



اداره کل امور حقوقی دانشگاه

شماره: ۱۵۱/۵۴۴۱۵
تاریخ: ۹۹/۴/۲۲
پست:

جناب آقای دکتر علی خالقی،

استاد و مدیر محترم گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

سلام و احترام،

از باب بهره برداری علمی اداره کل امور حقوقی دانشگاه از وجود جنابعالی در دانشگاه تهران، درباره پرسش زیر اظهار نظر علمی خود را اعلام بفرمایید:

برابر بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، اگر «عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد»، دیوان عالی کشور می تواند درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاهها را، اعم از آنکه حکم مذکور به اجراء گذاشته شده یا نشده باشد، بپذیرد.

با تجویز اعاده دادرسی از رای قطعی کیفری از سوی دیوان عالی کشور، آیا دادگاه هم عرض می تواند به جای پرداختن به جرم بودن یا نبودن عمل در قانون یا میزان مجازات قانونی مورد حکم قطعی، به ارکان دیگر جرم مانند وجود یا نبود عناصر مادی و معنوی وارد شود و با بررسی ادله و انجام رسیدگی جدید و استناد به محتویات پرونده، از اساس برای نمونه، رفتار ارتكابی مجرم موضوع رای قطعی کیفری را فاقد ویژگی های عنصر مادی تلقی کند یا این که مجرم را فاقد عنصر معنوی آن جرم تشخیص داده و در نهایت با صدور حکمی جدید، رای به برائت بدهد؟

با تشکر
حسن محسنی
رئیس دفتر حقوقی دانشگاه تهران

جمهوری اسلامی
دانشگاه تهران
دفتر حقوقی